

پیامدهای سخت گیری والدین در تربیت کودکان تا هفت سالگی براساس آموزه های دینی

حسین جلائی نوبری^۱، یوسف خیری^۲

^۱دانشیار و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز-ایران ، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

^۲دانشیار و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز ایران، عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش های بین رشته ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور

نویسنده مسئول:

حسین جلائی نوبری

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و تحقیقات میان رشته ای (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۳۴-۲۶

چکیده

این نوشتار به بررسی پیامد سخت گیری والدین در تربیت کودک از منظر قرآن و سنت به روش تحلیلی و توصیفی پرداخته است. ابتدا نظر روانشناسان در خصوص تقسیم بندی خانواده ها به سه گروه تحلیل شده است در ادامه میزان آموزه های دینی در تعادل و پرهیز از افراط و تفریط مورد بررسی قرار گرفته و اصل تسهیل یاد آور شده است. سپس پیامدهای سخت گیری از چهار منظر روحی و عاطفی و عقلی و شخصیتی مدافه شده است و بیان شده که سخت گیری والدین در این مناظر چه عواقب سوء از قبیل پرخاشگری، عصبانیت، افسردگی، انزوا، اضطراب و استرس و... به دنبال داشته در مقابل اگر خانواده های خصوصاً مادر با معیارهای توحیدی و الهی فرزندی تربیت نمایند ذخایر عقلی و عاطفی و شخصیتی فرزند شکوفا شده و عروج و لقای آخرت نصیب این فرزند میشود. نویسنده درصدد پاسخ به این سؤال است، از منظر دین سخت گیری والدین چه پیامدهایی در تربیت کودکان دارد؟ که به روش توصیفی و تحلیلی پرداخته شده است. و مقاله ای که تمام ابعاد را شامل بدست نیاوردم.

کلید واژه ها: سخت گیری والدین، تربیت کودک، آموزه های دینی

مقدمه

خانواده از مهمترین هسته های حیاتی هر جامعه ای است که به صورت مستقیم و غیر مستقیم تأثیرات غیر قابل انکاری را در رشد و تعالی و تکامل به ملاحظات مختلف اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و عاطفی و... در جوامع انسانی ایفا می نماید و از سوی در صورت ناکارآمدی و آسیبهای که متوجه این کانون بی بدیل می گردد چه بسا خسارتهای جبران ناپذیری، دامن فردی و اجتماعی را شامل می گردد. از این روست که شناخت و تقویت نقاط قوت کارکردهای این نهاد مقدس و کاستن از نقاط ضعف باید در سر لوحه برنامه ریزهای متولیان امر قرار گیرد. در این میان نحوه عملکرد والدین بر کودکان در سه ساحت تربیتی شناختی، عاطفی و رفتاری از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا که نحوه تربیت اولیا بر ساحات یادشده، اساس شخصیت و نگرش آینده کودکان را شکل می دهد. پرسش محوری در این مقاله بر این بحث استوار است که در صورتی که والدین از رفتارهای اقتدارگرایانه و سخت گیرانه در مواجهه با فرزندانشان برخوردار باشند چه پیامدها و آسیب های متوجه کودکان می کنند؟ آیات و روایات دین مبین اسلام چه رهنمودهای را در این خصوص ارائه میدهد؟ اهمیت و ضرورت بحث از این جهت قابل ذکر است که بسیاری از اختلالات و مشکلاتی که در دوران نوجوانی و جوانی و میانسالی و پیری گریبانگیر شخص می گردد حاصل دوران کودکی و سبک تربیتی والدین وی است و لازمه حل این مشکلات رمز گشایی از نحوه رفتارها و برخورد های این دوران و روش که والدین در این خصوص اتخاذ کرده اند امری اساسی و لازم است. در این مورد پژوهشهای مختلفی به لحاظ آسیب شناسی و پیامدهای حاصل از آن به خصوص از دیدگاه روانشناسان توسط محققین انجام شده است ولی تحقیقی که این پیامدها را با آموزه های قرآن و عترت ^{علیه السلام} منطبق سازد و نتایج جدیدی حاصل شود یافت نشد. در این مقاله سعی شده است ابتدا با طرح کلی مسئله نظریات روانشناسان تبیین گردد سپس پیامدهای سخت گیری والدین بر کودکان به لحاظ آموزه های دینی بررسی گردد در ادامه پیامدهای این سخت گیری از منظرهای مختلف روحی و روانی و احساسی و عقلانی و ... مورد بررسی قرار گیرد و نتایج لازم اخذ شود.

۱. سخت گیری والدین از منظر روانشناسان

نهاد هر انسانی بالطبع دوستدار آزادی عمل و فراغت است و هر چیزی که با این اصل به معارضه و جدال بپردازد پیامدهای ناگواری را بر این سرشت سالم و صالح به بار خواهد آورد بهمین جهت است که روانشناسان همواره هشدارهای لازم را در مورد عواقب سوء و چه بسا جبران ناپذیر سخت گیری نامتعارف والدین گوشزد نموده اند و با تقسیم بندی خانواده به لحاظ سبک تربیتی و الگوهای رفتاری براساس نظر باوم ریند به سه گروه مستبدگرایانه و سهل گیر و رها و اقتدار و قاطع گرا مجزا می شوند. در این تقسیم بندی خانواده مستبدگرایانه به خانواده ای اطلاق میشود که اطاعت مطلق از دستورات پدر و مادر حرف اول آن خانواده است و فرزندان اختیاری به آن صورت از خود ندارند بلکه تحت اجبار و زور فرامین والدین قرار دارند. در این خانواده ها توجیهی عقل پسند والدین برای دستورات و رفتارهای خود به فرزندان ارائه نمی دهند و حتی در ممانعت فرزندان در عمل به رهنمودهای پدر و مادر تنبیه بدنی نیز در نظر گرفته شده است. در این نوع خانواده ها فرزند در محیط خانواده از محدودیت شدید برخوردار است و حق اظهار نظر ندارد^۱ که به نظر باوم ریند نتایج چنین رفتار مستبدانه ای، جز اضطراب و انزوا و ناراضی بودن برای فرزند نیست.^۲ قسم دوم خانواده سهل گیر و رها است که به معنای واقعی کلمه فرزندان از آزادی عمل در محیط خانواده و خارج از آن برخوردارند و از دستورات و تنبیهات بدنی والدین خبری نیست به عبارت دیگر در این روش والدین معتقد هستند که تمایلات کودک حاکم بر رفتار وی است^۳ که حاصل این شیوه فرزند پروری به اعتقاد باوم ریند عدم استقلال و خود اتکایی و مسئولیت پذیری و کارهای اکتشافی است.^۴ قسم آخر مربوط به خانواده قاطع و اقتدارگرا می باشد که شاید نزدیکترین قسم به آموزه های دین اسلام است حضرت علی ^{علیه السلام} در این باره می فرماید: «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ احْسِنُوا اَدَابَكُمْ؛ فرزندانتان را تکریم کنید و به آداب نیکو بیارایید». ^۵ در این خانواده ها ضمن آنکه میدان وسیعی را جهت بروز استعدادات فرزندانشان به لحاظ آزادی عمل فراهم نموده اند از جهت دیگر نیز با وضع مقررات و قوانینی کودک

۱. شریعتمداری، روانشناسی تربیت، ص ۲۱۰

۲. باوم ریند، ۱۹۶۷

۳. دادستان، روانشناسی مرضی تحولی، ص ۹۷

۴. باوم ریند، ۱۹۷۱

۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵

را ملزم به رعایت این قوانین نموده اند و تمکین فرزندان نیز نسبت به مقررات نه از باب اجبار و زور بلکه از باب توجیه عقلی است از نتایج ملموس چنین رویکرد تربیتی به گفته باوم ریند سرزندگی و بشاشی و عزت نفسی بالایی است که در این قسم از فرزندان دیده می شود.^۱ حال اگر براساس تعاریفی که انجام شد خانواده از نوع مستبد گرایانه بوده وسخت گیری نامتعرفی به لحاظ روحی و روانی و شرایط حاکم بر خانواده بر فرزندان اعمال نماید از جمله پیامدهای ناگوار این سخت گیری در افسردگی، پریشانی، عصبانیت، پرخاشگری، اضطراب و استرس و... کودکان ظهور می کند.

از همه مهم تر این است که در خانواده مستبد گرایانه ی سخت گیر، زمینه ها و ریشه های اختلالات دوران واپسین بعد از کودک بنیان نهاده می شود که به مرور پیامدهای آن در دوران جوانی و میانسالی و پیری ظهور پیدا کرده و آسیبهای ناگواری را بر فرد و خانواده و اجتماع بشری در پی خواهد داشت. لذاست که از بین نهادهای مختلف اجتماعی نقش نهاد خانواده بر دینداری در جامعه ایرانی از اهمیت برخوردار است و جامعه شناسان در مطالعات دینداری توجه خاصی به خانواده می کنند.^۲ در مقابل کودکانی که در خانواده های با سبک قاطع و اقتدارگرایانه و دارای آزادی و مختاریت برای کودکان است کودکان استعدادها و سرمایه های باطنی خود را بهتر بروز و ظهور می نمایند در این خانواده ها کودک از نشاط و طراوت و سرزندگی لازم برخوردار است و همین خانواده ها کودکانی به جامعه انسانی عرضه می نمایند که در مهمترین مسئولیتها و کلیدی ترین مقام ها، خدمات ارزنده ای را تقدیم ارزشهای والای انسانی کرده اند.

۲. میزان قرآن و سنت در رفتار با کودکان

دین اسلام در قبول آموزه های اسلامی راه آزاد منشانه و سهل الوصولی را پیروی می کند و با اصل تسهیل به سراغ تربیت کودک می رود چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خداوند رحمت کند کسی را که فرزند خود را در اعمال نیکش یاری دهد سوال شد چگونه او را در نیکش یاری کند؟ حضرت فرمود: آنچه را که فرزندش در قدرت و توان خود انجام داده است از او پذیرا گردد و قبول کند و آنچه را که انجامش برای فرزندش سخت و سنگین و طاقت فرسا می باشد از او نخواهد و او را به گناه و طغیان وادار نکند و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود» رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرٍّ قَالَ يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرِقُ بِهِ^۳

از طرف دیگر اگر در تربیت کودک اصل تسهیل نباشد نمی توان انتظار داشت که کودک با نشاط، همراهی لازم را با برنامه داشته باشد و با سخت گیری با بی میلی کودک نتایج منفی به بار می آورد^۴ ضمن آنکه در تربیت باید تعادل و توازن را رعایت کنند و از افراط در نیکی به فرزندانشان پرهیز نمایند.

همانگونه امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که نیکی به فرزند آنان را به افراط بکشاند»^۵ و نیز بیان میدارد که «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» در دین اکراهی نیست چرا که راه از بیراهه جدا گشته است^۶ همین بینش و نگرش نیز در تربیت اسلامی و جامعه اسلامی ریشه دوانده است و اسلام معتقد است که قبول عمل به دینی الهی براساس سرشت و فطرت الهی هر فرد باشد که می فرماید: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» پس حق گرایانه به سوی این دین روی آر با همان فطرتی که خدا مردم را برآن سرشته است تغییری در آفرینش خدا نیست»^۷.

لذا مهمترین مسئله در تربیت دینی از منظر آموزه های قرآن و سنت این است که مکلف با حسن اختیار خود راه درست را از راه ناصواب تشخیص میدهد که می فرماید: «إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» یا سپاسگزار باش یا کفران کننده^۸

همین نگاه آیات الهی نیز در روایات ماثور از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده است چنانکه براساس آموزه های دین اسلام خانواده محیط الهی اخلاقی و عبودی است که مهمترین وظیفه پدر و مادر در خانواده تربیت فرزند صالح و شایسته و عرضه آن به جامعه اسلامی می باشد. اهمیت این بحث از آن جهت است که کودک بهترین دوران رشد و بالندگی خود را در بستر خانواده طی می نماید. همانگونه

۱. باوم ریند، ۱۹۶۷

۲. توسلی، جامعه شناسی دین، ص ۲۲

۳. کافی، ج ۶، ص ۳

۴. دلشاد تهرانی، دلالت دولت، ص ۷۶

۵. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰

۶. بقره: ۲۵۶

۷. روم: ۳۰

۸. انسان: ۳

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَمَّا قَلْبُ الْحَدَّثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَهْمَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْ قَبْلَتْهُ؛ دل جوان، همچون زمین ناکشته است هر چه در آن افکند بپذیرد»^۱.

حال اگر غفلت یا جهالت این امانت الهی را که خداوند به آنان سپرده است با سختگیری بی مورد چه در امر تحصیل و چه معاشرت و چه عبودیت و بندگی دچار مخاطره نمایند براساس آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا؛ همانا خداوند به شما فرمان میدهد که سپرده ها را به صاحبانشان پس دهید»^۲ این پدر و مادر اهلیت و شایستگی لازم را برای به بار نشاندن چنین فرزندی ندارند و عواقب و پیامدهای این موضوع در وهله اول متوجه خود پدر و مادر شده و اولین تازیانه ای را خودشان دریافت خواهند نموده و در وهله دوم در اثر زور و اجباری و فشاری که از طرف والدین بر کودک وارد شده است عدم اعتماد به نفس، زود رنجی، عدم خطر پذیری، عدم داشتن استقامت لازم در کارهای بزرگ، ترس و وحشت، گریبانگیر خود فرزند شده و باعث میشود از موفقیت ها و کامیابی های بزرگ باز دارد.

در وهله سوم این اجتماع اسلامی است که پیامدهای سوء این پدیده را باید به گردن بگیرد و عواقبی همچون نسلی که به خود اتکائی نرسیده اند، دشمن ستیز نیستند، اهل تسامح و تساهل در امورات هستند، دارای اراده سست و ضعیف هستند را باید متحمل شود و این خسارت بالاتر از تمامی مراحل خسارتهای مراحل اول و دوم می باشد.

۳. پیامدهای سخت گیری والدین بر کودکان

آسیب هایی که متوجه فرزندان خانواده های مستبد گرایانه می گردد شاید قابل شمارش نباشد و این آسیبها و اختلالات در مراحل مختلف زندگی خود نمایی کرده و خسارت شناختی و احساسی و رفتاری فراوانی را نصیب فرزندان و خود خانواده و اجتماع در مراحل مختلف زندگی خواهد کرد. لذا در این قسمت از چهار منظر به این مسئله توجه شده است که پیامدهای ناگوار سخت گیری والدین چه آثار سوء می میتواند در برداشته باشد بدین ترتیب مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. منظر روحی و روانی

از دیدگاه اسلام هر فرد در پناه خانواده خود زندگی می کند^۳ و از تبار اجدادش هویت اخذ می نماید^۴. به همین جهت است که والدین مأمن و پناهگاه اصلی تربیت کودکند و در سایه تدابیر و سلوک تربیتی آنان پرورش می یابند. فرمایش گهربار حضرت امام خمینی رحمه الله علیه که می فرمایند: «زن مظهر تحقق آمال بشر است زن پرورش دهنده زنان و مردان ارجمند است از دامن زن مرد به معراج می رود. دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است»^۵ گویای این مطلب است که والدین و بویژه مادر، آنچنان ظرفیت های روحی و روانی را می تواند در وجود کودک بشوراند که این کودک رهسپار لقای الهی که غایت و نهایت از خلقت انسان است.

همین پدر و مادر چه بسا با محدود کردن و مضیق کردن کانال روحی و روانی فرزندانشان و الگوهای اعتقادی و اخلاقی و رفتاری که در هر حادثه و رخداد زندگی ارائه می دهند کودکانشان را در قوس نزول انسانیت قرار داده و پست ترین جایگاه نظام هستی را نصیب وی می نمایند چنانکه در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ؛ بی تردید منافقین در پست ترین طبقه از آتش اند»^۶ بنابراین تفاوت معامله از کجا تا کجاست؟ پیامد و گشایش روحی و روانی بهشت و رضوان الهی است و پیامد تربیتی مضیق و سخت گیرانه دوزخ و عذاب الهی است بهمین جهت است که اولیای محترم باید دقت نمایند که تعاملات و رفتارهای زنشویی در قبال فرزندانشان آیا بهشت ساز و معراج ساز است یا جهنم ساز و درکات ساز؟ آیا کودک نردبان تعالی را در خانه طی می کند یا مقدمات سقوط و انحطاط وی در خانه فراهم می شود؟

این چالشی است که همواره باید مورد بررسی و کنکاش و تحلیل و ارزیابی مداوم والدین قرار گیرد و از این رهگذر خطاها و اشتباه احتمالی را بموقع جبران تصحیح نمایند پس در مراوده با این امانت الهی باید توجه کامل داشته باشند که با موجودی سر کار دارند که خداوند می فرماید متصل به منبع فیض الهی است و نفخ الهی بر روح آن دمیده شده است «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي؛ پس چون او را کاملاً

۱. نهج البلاغه: نامه ۳۱

۲. نساء: ۵۸

۳. بهنام، تحولات خانواده، ص ۷۸

۴. چیل، خانواده در دنیای امروز، ص ۶۸

۵. امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۱

۶. نساء: ۱۴۵

نظام بخشیدیم و از روح خویش در وی دمیدیم»^۱ پس با لحاظ چنین حقیقتی همواره باید از خداوند و اهل بیت علیه السلام استمداد جست که بار سنگینی و نعمت عظمایی که ودیعه الهی است به حول و قوت خداوند به سر منزل مقصود برسد.

۵. منظر عاطفی، احساسی

بخش عمده حیات انسانی از احساسات و عواطف سرچشمه می گیرد سلام کردن، احوالپرسی، ابراز محبت و عشق و... و هزاران نکته لطیفی که در آموزه های دینی بر آن تاکید شده است همه گویای این سخن است که در دیوار زندگانی، آن عنصری که همه آجرها را به یکدیگر پیوند می زند عاطفه و علاقه است و کودک نیز به این لحاظ در اوج احساسات و علایق است. بنابراین پدر و مادر اگر بخواهند همیشه و در همه حال مدیریت عاطفی و فرزندشان را برعهده گیرند باید چنان جذبی از عشق و محبت در کانون خانواده ایجاد نمایند که بواسطه آن جان کودک لبریز و سیراب از محبت و علاقه شود.

چنانکه در روایتی از حضرت رسول ذکر شده است کسی که فرزندش را ببوسد خداوند حسنه ای بر او بنویسد و کسی که او را خوشحال کند خداوند او را در روز قیامت خوشحال خواهد نمود «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲ از امام جعفر صادق علیه السلام هم روایت زیبایی نقل شده است که فرزندان ما جگر گوشه های ما هستند و خردسالانشان سروران ما می باشند «أَوْلَادُنَا أَكْبَادُنَا صُغَرَاءُهُمْ أُمَرَاءُنَا»^۳.

حال اگر والدین به این امر توجه نمایند و با سوء مدیریت و سخت گیری بیهوده، تشنگی عاطفی و حفره های احساسی را در وجود کودک بنیان بنهند همین امر باعث خواهد شد روز به روز فرزندانشان از کانون گرم خانواده فاصله گرفته و انزوا و گوشه گیری در نهایت افسردگی و ناامیدی به سراغ کودکانشان بیاید در این خصوص نقش مادران نقشی بی همتاست هر چه قدر هم پدران از صلابت و اقتدار و سخت گیری هم برخوردار باشند باید مادر سفره ی عاطفه و احسان و بذل و بخشش را فرا روی کودک مهیا سازد. با این توازن اگر هم سبک تربیت سبک خشن و اقتداری است با لطافت و نرمیت مادرانه تعدیل یافته و کودک تجلی جلال پدری را به همراه تجلی جمال مادری مشاهده کرده و بدین ترتیب از بسیاری از آفتها و آسیبهای که ذکر گردید در امان خواهد ماند.

۶. منظر عقلایی

کودک وقتی متولد میشود نیروهای روحی و حیاتی وی هنوز بالقوه بوده و تا بالفعل شدن فاصله زیادی دارد چنانکه در آیه شریفه سوره نحل می فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دل ها قرار داد تا شکر گزاری^۴.

نقش پدر و مادر در همین راستا این است که این موجود ضعیف را به تدریج صاحب توانایی و شعور و قوای عقلایی گردانند و از طرفی دیگر رسالت انبیای الهی هم به همین شکل می باشد که با انسانها قرین میشوند تا گنجینه ای نهفته و گرانبهای که خداوند در ذات بشر به ودیعه نهاده است آنها را استخراج نمایند که مردم یا معادن طلا هستند یا نقره در روایتی می فرماید: «النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ؛ مردمان معدنند همانند معادن طلا و نقره»^۵ در فرمایشی دیگر از حضرت امیر المومنین علی علیه السلام در خصوص فلسفه ارسال انبیای الهی می فرماید: «لِيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ تا اینکه بشوراند برای شما دفینه های (گنج های) عقول را»^۶.

از این روست که جایگاه و منزلت پدر و مادر در نظام هستی همانند انبیاء عظام الهی است یعنی پدر و مادر با فرزندان همراهی می کنند تا خزینه های ذی قیمت و با ارزش آنان را که در عقلشان دفینه شده است بشوراند و استخراج نمایند حال سوال اینجاست که این شوراندن عقل با رفتار مستبدانه و اقتدار گرایانه پدر و مادر حاصل میشود یا با رفتار منطقی و عقلایی آنان، پاسخ مشخص است. رفتارهای سنجیده و حکمت آمیز پدر و مادر، چراغهای هدایت و کامیابی عقل را به مرور در نهاد فرزند روشن می سازد و با این چراغ فروزان عبودیت و جنت الهی نصیب فرزند می شود، همان گونه در روایت شریف می فرماید: «العقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ»^۷ عقل آن است که پرستیده شود بوسیله آن خدای رحمان و رضوان الهی کسب شود.

۱. ص: ۷۲

کافی، ج ۶، ص ۴۲

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷

۴. نحل: ۷۸

۵. کافی، ج ۸، ص ۱۷۷

۶. نهج البلاغه، خطبه یک

۷. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱

در این خصوص باید والدین و مربیان باید راه میانه را برگزیده و از افراط و تفریط پرهیز نمایند بدین معنا که برخی از خانواده ها آنچنان شرایط را سهل و آسان برای فرزندان نشان قرار میدهند که فرزند احساس می کند هیچ گونه مراقبتی از وی نمی شود و همین امر باعث فراهم شدن اسباب انحراف از جمله معاشرت با دوستان ناباب نصیبش شده و لطامات جبران ناپذیری چه بسا گریانش می گردد و یا برخی والدین به صورت افراطی با سوء ظن و مراقبت های شدید و انضباطی حساسیت و لجابت فرزندان را برانگیخته و موجبات سردرگمی و پرخاش و عصبانیت فرزندان می گردند. حال اگر از این افراط و تفریط والدین اجتناب نمایند زمینه های سعادت و خوشبختی فرزند خود را بوجود آورده اند.

فیلسوف گرانقدر ابن سینا بهمین جهت شرایطی را برای معلمین و مربیان قایل شده است که «لازم که معلم از میان بهترین اشخاص انتخاب شود شخصی که قادر به تشخیص ارزشهای اخلاقی و فضیلت های اخلاقی باشد. زیرا دانش آموزان از او به عنوان الگو و راهبر پیروی خواهند کرد معلم باید با استعداد و دیندار باشد...»

در آموزش بچه ها مهارت داشته باشد با وقار و آرام باشد و از سادگی بسیار به دور باشد رفتار سبک نداشته باشد بلکه برعکس معلم باید مهربان و فهیم بوده، با فضیلت تمیز و شایسته باشد^۱

۷. رفتاری و شخصیتی

با نگاهی گذرا به آیه شریفه سوره مبارکه اسراء که می فرماید: «كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»^۲ ارتباط دو سویی رفتار و شخصیت مشخص میشود که هر رفتاری از انسان نشات می گیرد حاصل شخصیت و شاکله وی است هر چند از شاکله مفسران قرآن کریم تعبیرات مختلفی به کار بسته اند ولی علامه طباطبایی رحمه الله علیه در تفسیر المیزان شاکله را شخصیت خلقیه و نه خلقیه معرفی می نماید.^۳

معنای این تفسیر علامه این است که انسان به مرور در دنیا با ارتکاب به اعمالی، شخصیت درونی خود را می سازد و همین شخصیت نهادینه شده سبب ظهور رفتار و کردار در انسان می گردد.

به عبارت دیگر معنای این تبیین این سخن است که شخصیت همراه با تولد و آفرینش هر انسان به صورت اجباری زاده نمی شود، بلکه آفرینش شخصیت در اثر عملکردی است که به صورت مستمر از او نشات می گیرد.

حاصل سخن ایشان بر این نکته متمرکز است که ساخت هویت و شخصیت هر انسانی با اختیار و تلاش وی در ارتباط است به این گونه که هر عملی که از انسان صادر می شود به صورت ملکات نفسانی در جان انسانی رسوخ می نماید.

به تبع مداومت در رفتار، باطن و هویت هر انسانی شکلی به خصوص از ملکات از شجاعت و حماقت، نشاط و انزوا، سر زندگی و افسردگی به خود می گیرد که از آن تعبیر به «شخصیت» یا «شاکله» هر شخص می شود.

با این تفسیری که گذشت به خوبی روشن می شود که در خانواده که مشی و سبک آنان براساس دستور و زور و اجبار و برخورد با فرزندان بنا شده است چه پیامدهای ناگواری هم اکنون و در آینده متوجه خانواده خواهد شد.

این آسیبها حقیقت در این لطیفه دارد که پدر و مادری که به کنه فلسفه تربیت پی نبرده اند که تربیت یعنی: «رها کردن آدمی از بسته ها و وابستگی ها، آزاد کردن از قدرت دیگران، و آشنا ساختن وی با قدرتی که دارد بنا بر این تعریف، تربیت فتح مداوم است، فتح وجود خویشتن، فتح قید و بندهای قراردادی و تحمیلی، که از بزرگسالان برای رام کردن و اهلی کردن، و مطیع کردن بدون چون و چرایی به بهانه تادیب و تربیت کودک اعمال می گردد»^۴

یا انتظار اینکه باید از رفتارها و شخصیت والدین باید تبعیت محض داشته باشد و لاغیر از جمله کج اندیشه های رایج است که این اعتقاد بر خلاف فرمایشات معصومین علیه السلام است که حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِغَيْرِ زَمَانِكُمْ»^۵ «فرزندان خود را به خویهای خویش پرورش ندهید که آنها را برای روزگار دیگری آفریده شده اند»^۶ متوجه این مطلب نیستند که چرایی ارتباط رفتار با شاکله و شخصیت نهادینه شده کودک چه ارتباطی با هم دارد به هیچ عنوان ثمرات قابل توجهی به نظام هستی ارائه نخواهند داد.

۱. الفقیه، عبدالرحمن، نشریه اسوه، ش ۷۸، ص ۲۵۷

۲. اسراء: ۸۴

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۱۹۲

۴. کریمی، گفتارهای پیرامون اثرات پنهان، ص ۶۷

۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷

۶. جرداق، شگفتی های نهج البلاغه، ص ۴۵۳

با مطالبی که بیان شد به خوبی واضح می شود که تولد هر رفتار و عملکردی حاصل نحوه شکل گیری شاکله در نهاد انسان است و رفتار نقش تبعیت گری را در پیروی از شاکله بازی می کند لذا اولیای با توجه به این نگرش باید نهایت دقت را در تعاملات و رفتارهای روزمره لحاظ نمایند که فرزند با الگوی گیری و انعکاس این کنشها در حقیقت جهان بینی و نحوه نگرش خود را به عالم امکان انتظام و قوت می بخشاند.

نتیجه

با توجه به مطالبی که گذشت بیان شد که خانواده در یک تقسیم بندی به سه گروه مستبد گرایانه، سهل گیر و رها و اقتدار گرایانه براساس برخی نظریات روانشناسان تقسیم می شود که موضوع این مقاله در نقد گروه اول یعنی پیامدهای سخت گیری خانواده های مستبد گرایانه می باشد. به نظر قرآن و سنت ضمن آنکه کودک از انتخاب آزاد منبثانه باید برخوردار باشد در تربیت اصل تسهیل کارایی زیادی ایفا می نماید. والدین برای تربیت صحیح ملزم هستند از هرگونه افراط و تفریط دوری کنند تا در سایه چنین تربیتی، فطرت الهی در وجود کودک شکوفا شده و فرزند به قله های توحید و یکتاپرستی گام نهد. نقش مادر در خانواه نقش بی همتایی اسشت و فرمایش حضرت امام رحمه الله علیه که از دامن زن مرد به معراج می رود گویای این مطلب است که اگر نهایت خلقت حرکت به لقای الهی باشد در این مسیر نقش مادر در عروج فرزند و رسیدن به دیدار الهی بی نظیر است. از پیامدهای سخت گیری والدین بر فرزندان ایجاد حفره های عمیق عاطفی در نهاد کودک است که در آینده در قالب اختلالات و کمبود های عاطفی و احساسی در مراحل مختلف زندگی بروز خواهد کرد. همچنانکه اگر سیرابی لازم عاطفی کودک برطرف شود و ذخایر عقلی کودک با تربیت صحیح کودک شورانده شود این کودک نه تنها مسیر گشا بلکه مسیر نما خواهد شد. و در نهایت اینکه هر رفتاری بازتاب شاکله و شخصیت هرکس است در صورتیکه که والدین شخصیت الهی را در وجود کودک به ودیعه بگذارند به تبع شخصیت، رفتارهای سنجیده و توحیدی از فرزند ظهور و بروز خواهد کرد.

فهرست منابع و مآخذ

• قرآن کریم

• نهج البلاغه

- _____، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

ابن ابی الحدید، عز الدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه عمومی آیت اله مرعشی نجفی.

امام خمینی، روح الله، صحیفه امام، ج ۷، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۷۲.

بحار الانوار، علامه مجلسی، یکصد و ده جلد، انتشارات موسسه الوفاء بیروت لبنان ۱۴۰۴ ه قمری

بهنام، جمشید، تحولات خانواده، نشر ماهی، ۱۳۸۳.

توسلی، جامعه شناسی دین، تهران، نشر سخن، ۱۳۸۰.

جرداق، جورج، بی تا، شگفتی های نهج البلاغه، ترجمه فخر الدین حجازی، بعثت، تهران.

چیل، دیوید، خانواده در دنیای امروز، ترجمه محمد مهدی لبیبی، نشر افکار، ۱۳۸۸.

حرعاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، تهران المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۷.

دادستان، پریرخ، روانشناسی مرضی تحولی - از کودکی تا بزرگسالی، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.

دلشاد تهرانی، مصطفی، دلالت دولت، آیین نامه حکومت و مدیریت در عهد نامه مالک اشتر، تهران انتشارات دریا، ۱۳۸۸.

شریعتمداری، علی، روانشناسی تربیت، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۷.

طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، جلد ۱۳، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۵.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، هشت جلد، انتشارات دارالکتب اسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه.

کریمی، عبدالعظیم، گفتارهای پیرامون اثرات پنهان: تربیت آسیب زا، تهران، سازمان اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.

کلینی، محمد بن یعقوب، الفروع فی الکافی، ج ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه دارالوفاء، بیروت، الطبعة الثانیه، ۱۴۰۳ ق.م.

نوری، حسین، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت (ع)، لاهیه التراث، بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۸ ق.

یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بی جا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸.

نشریات

الفقیه، عبدالرحمن، ترجمه علی فروغی، نشریه اسوه، شماره ۷۸، ۱۳۷۸.

منابع انگلیسی

Baumrind, D Child care practices anteceding three patterns , 1967

Baumrind,D.(1971). Current Patterns of Parental authority.

Developmental psychology Monograph, 4(1, part 2), 1-103.

Genetic Psychology monographs of preschool behavior, 75, 43-88